

شرط بندی مصدق روی اسب بازنده!

دکتر مصدق یک سیاستمدار کهنه‌کار با سابقه‌ای طولانی در این عرصه بود؛ از آن آدم‌هایی که در دوره مشروطه با قواعد سیاست آشنا شدند و البته بازی قدرت را از دریچه همان باورهای کهنه نگاه می‌کردند. سیاستمداران هم‌دوره مصدق باور داشتند باید برای مهار روس و انگلیس، از یک قدرت سوم به عنوان

آلترناتیو استفاده کرد.

همان‌طور که قوام السلطنه برای بیرون کشیدن آذربایجان از دهان استالین به سراغ آمریکایی‌ها رفت، مصدق هم فکر می‌تواند در نزاع نفت با انگلیس، به کمک یانکی‌ها دل خوش کند؛ اما او داشت روی اسب بازنده شرط بندی می‌کرد.

✂ **فاصله حساس میان پلان «A» و «B»**

آمریکایی‌ها عملیات آژاکس را با هدف براندازی حکومت دکتر مصدق در دو مرحله یا دو نقشه طراحی کردند. زمان اجرای نقشه نخست ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲ بود. برای اطمینان خاطر

درس‌ها و عبرت‌های کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای امروز و فردای ایرانیان

دشمنت را بشناس



مرداد ۱۳۳۲ - جوانان چپ‌انگازهای شاه در خیابانهای تهران

است که می‌تواند در روند امروزی سیاست‌های امپریالیستی آن‌ها مؤثر و کاربردی باشد؛ مانند آنچه چند سال پیش، توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شد؛ مجموعه‌ای حدود هزار صفحه‌ای از منتخب اسناد این وزارتخانه بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴م که در سال ۱۳۹۶ در دسترس عموم قرار گرفت. آمریکایی‌ها در انتشار همین اسناد هم محتاطانه عمل کرده و بیشتر به دنبال متهم کردن و شبهه‌افکنی درباره قهرمانان مذهبی نهضت ملی شدن صنعت نفت بودند. در این اسناد، نام بسیاری از افرادی که نقش رابط و جاسوس سفارت آمریکا را داشتند، حذف شده‌بود.

کجای ماجرا مبهم نیست؟

نکته‌ای که باید درباره نقش آمریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد بدانیم حضور و فعالیت آن‌ها در اصل رویداد نیست؛ نه ما و نه هیچ محقق منصف و بی‌طرفی در تمام دنیا درباره این نقش تردیدی ندارد؛ حتی مقام‌های آمریکایی در سخنرانی‌های رسمی و غیررسمی خود به این نقش اقرار می‌کنند. مثلاً مادلین آلبرایت، وزیر

یکی از نکات کمتر گفته شده درباره کودتای ۲۸ مرداد، نقش حزب توده در شکل‌گیری و اجرای آن است. با وجود تمایل توده‌ای‌ها به شوروی و تقابلی که با آمریکا و انگلیس داشتند، سیاست‌های دوپهلو و نامتوازن آن‌ها از یک سو و گرفتار شدن در ورطه سیاست‌بازی و نیرنگ‌های رسانه‌ای بریتانیا از سوی دیگر، نقش این حزب را در شکل‌گیری و حتی موفقیت کودتا پررنگ کرد. واقعیت آن است انگلیس برای ترغیب آمریکا به شرکت در کودتا، نیاز به بهانه‌های قوی داشت. آمریکایی‌ها مایل بودند منافع نفتی ایران را تنها به خودشان منحصر کنند و ترجیح می‌دادند با

شوروی و انگلیس، برای آمریکا دو جنس متفاوت داشتند و کاخ سفید ترجیح می‌داد متحد سنتی کاخ باکینگهام بماند. تجربه انگلیس در منطقه بیشتر بود و علاوه بر این، قواعد جنگ روانی را خوب می‌دانست.

مصدق دانسته یا نادانسته، فضا را برای بازی‌های

آمریکایی‌ها، آن‌ها خوششان را برای پلان «B» آماده کردند؛ نقشه‌ای که قرار بود روز ۲۸ مردادماه با حضور نیروهای نظامی کودتا و استفاده گسترده‌از لات‌ها و لمین‌های شهر تهران اجرایی شود. فاصله میان دو پلان، زمان گرانبهایی بود که دکتر مصدق

روزهای منتهی به وقوع کودتا نیست و باید آن‌ها را دست‌کم از دو سال پیش و پس از به قدرت رسیدن دکتر مصدق و فعالیت‌های او برای اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت مورد بررسی قرار داد. جزئیات مربوط به فعالیت رسانه‌ای و جنگ نرم بریتانیا در این دوره، از طریق افرادی مانند مصطفی فاتیح، از رؤسای ارشد شرکت نفت یا فعالیت شبکه «بدامن» برای انتشار همزمان مقالات همسو و علیه جریان اصلی نهضت در مطبوعات، بخشی از این جزئیات است که هنوز به‌طور کامل از چرایی وقوع آن‌ها آگاه نیستیم. اینکه چرا دکتر مصدق باوجود اطلاع از همکاری اطلاعاتی اطرافیانش با سازمان‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا، همچنان آن‌ها را در پُست‌های کلیدی حفظ کرد و حتی برای مذاکرات محرمانه با خود به آمریکا برد، سهل‌انگاری عجیبی که سبب شد انگلیسی‌ها پیش از اعلام رسمی نتایج مذاکرات، توسط هدایت‌الله متین‌دفتری جزئیات آن را در اختیار داشته‌باشند و طریحی برای نافرجام گذاشتن آن بریزند یا اینکه چرا دکتر مصدق با اینکه می‌دانست انحلال مجلس سبب می‌شود شاه و آمریکایی‌ها بتوانند به‌راحتی و بدون دردسر او را ساقط کنند و فاتحه دستاوردهای نهضت را بخوانند، دست به این کار زد و نصیحت افرادی مانند دکتر غلامحسین صدیقی را نادیده گرفت؟ (صدیقی در خرداد ۱۳۳۲ طی یک سخنرانی در کرج، رسماً درباره وقوع کودتا هشدار داده‌بود) چرا با وجود آشکار بودن ارتباط فضل‌الله زاهدی با سفارت آمریکا و نقشی که بعدها در انجام کودتا داشت، همچنان در پُست وزارت کشور ماند و بعدها با حمایت دکتر مصدق از محبس مجلس شورای ملی و فضای امنیتی‌ای که آیت‌الله کاشانی در اطراف وی ایجاد کرده‌بود، گریخت و کار را تمام کرد؟ آیا آمریکا و انگلیس با بخشی از جریان جبهه ملی برای کنار گذاشتن مصدق به توافق رسیدند و او نیز در جریان این توافق قرار داشت؟ آیا به همین علت نبود که نخست‌وزیر ملی ایران بدون هیچ‌گونه مقاومتی ۲۸ مرداد خود را تسلیم کودتاچی‌ها کرد و حتی حاضر نشد مردمی را که ادعا می‌کرد «مستظهر به پشتیبانی» آن‌هاست به میدان فرا بخواند و مانع غلبه عوامل کودتا شود؟ همه این‌ها در کنار ده‌ها و صدها پرسش دیگر، جزئیاتی است که هر کس درباره آن‌ها حرفی می‌زند، اما به دلیل نبود مدارک و شواهد لازم، نمی‌توان درباره آن‌ها قضاوت صریحی کرد. آیا بالاخره پشت پرده رویدادهای منجر به کودتای ۲۸ مرداد آشکار خواهد شد؟ باید منتظر ماند و دید.

خارجه اسبق آمریکا در سخنرانی سال ۲۰۰۰م خود به نقش چشمگیر آمریکا در این کودتا اشاره یا باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در مصاحبه سال ۲۰۱۳م خود با هفته‌نامه

«نیویورکر»، به نقش کاخ سفید در این کودتا تصریح می‌کند و می‌گوید: «یکی از اجزای ضروری دیپلماسی به رسمیت شناختن علنی حقایق تاریخی است؛ مانند نقش آمریکا در براندازی محمد مصدق». با این حال، آنچه برای پژوهشگران مبهم باقی مانده، سازوکار اجرای این کودتا و نقش عوامل داخلی در اجرای آن است. ما درباره جزئیات این کودتا جز آنچه در خاطرات مقامات آمریکایی، انگلیسی یا ایرانی و معدود اسناد در دسترس منتشر شده، چیزی نمی‌دانیم و همین مسئله، اجازه تحلیل دقیق را از ما می‌گیرد و نمی‌گذارد به حقایق پشت پرده مشهورترین کودتای ضدایرانی پی ببریم.

■ از کدام جزئیات حرف می‌زنیم؟

این جزئیات و ابهامات مرتبط به آن، درباره بسیاری از رویدادهای مربوط به کودتای ۲۸ مرداد مصداق دارد؛ رویدادهایی که تنها محدود به

بازی دادن دکتر مصدق، زمینه چنین اقدامی را فراهم سازند و همان منافع‌ی‌ادر کشور ما بدست آورند که از چند دهه پیش، در عربستان سعودی بدست آورده‌بودند. برای واداشتن آمریکا به قبول اشتراک در منافع با انگلیس، نشان دادن خطر نفوذ شوروی در ایران ضروری بود. بحران جنگ سرد می‌توانست نقش مهمی در اجرای خواسته لندن داشته‌باشد. انگلیسی‌ها با کمک نفوذی‌های خود در حزب توده، اعضای این حزب را واداشتند در زمین آن‌ها بازی کنند؛ اجتماع ۱۲۰هزار نفری در تهران که از سوی حزب و با حضور سمپات‌های آن برگزار

انگلیسی در ایران باز گذاشت و نتیجه این اقدام، همراهی آمریکا با استعمار پیر بود. عجیب است که مصدق با همه تجربه سیاسی‌اش نمی‌دانست معادلات سیاسی در غرب، حول منافع اقتصادی شکل می‌گیرد و منفعت آمریکا در ماجرای نفت ایران، در همراهی با بریتانیا بود.

آن را از دست داد و نتوانست یا نخواست در برابر موج کودتایی که اصل نهضت ملی شدن صنعت نفت را نشانیه رفته‌بود، مقاومتی کند. اجرای پلان دوم نقشه عملیات آژاکس با تسخیر رادیو و اشغال منزل مصدق و زدن ضربه نهایی به نهضت به پایان رسید.

چهره‌ها

شخصیت‌های مؤثر در سقوط دولت مصدق

کودتاگران

■ **شعبان جعفری** سرکرده دسته‌امپن‌ها و لات‌ها در جریان کودتای ۲۸ مرداد بود. او که به «بی‌مخ» هم شهرت داشت، هنگام شروع کودتا در زندان بود اما با مداخله کودتاپچیان آزاد شد و نقش مهمی در حمله به خانه دکتر مصدق ایفا کرد. شعبان به دلیل همین فعالیت‌ها مورد حمایت ویژه دربار قرار گرفت. او ۲۸ مرداد سال ۱۳۸۵ در آمریکا شُرد.



داشت، هنگام شروع کودتا در زندان بود اما با مداخله کودتاپچیان آزاد شد و نقش مهمی در حمله به خانه دکتر مصدق ایفا کرد.

شعبان به دلیل همین فعالیت‌ها مورد حمایت ویژه دربار قرار گرفت. او ۲۸ مرداد سال ۱۳۸۵ در آمریکا شُرد.

■ **فضل‌الله زاهدی** فرمانده نظامی کودتا بود. زاهدی در دوره رضاشاه مدتی ریاست شهربانی را برعهده داشت.

او را یک آلمان‌وفیل می‌دانستند. زاهدی در دوره مصدق، مدتی به وزارت کشور رسید و باوجود تذکر دوستان مصدق، در این مسئولیت ماند. وی پس از انجام کودتا، نخست‌وزیر شد و با قرارداد کنسرسیونم، دوباره نفت را به بیگانگان واگذار کرد.



■ **کریمت روزولت** طراح آمریکایی کودتای ۲۸ مرداد بود. او با طراحی عملیات آژاکس و در همکاری مستقیم با سرویس اطلاعاتی بریتانیا، کنترل فعالیت کودتاگران را از سفارت آمریکا برعهده داشت. پس از انجام کودتا، شاه در دیداری با روزولت خود را مدیون وی و دولت آمریکا دانست و متعهد شد در مسیر منافع آن‌ها گام بردارد.



■ **نعمت‌الله نصیری** از افسران فعال در کودتا بود که در شب ۲۵مرداد، حکم عزل مصدق را به دست او داد و با فرمان وی زندانی شد. با این حال، کودتاگران او را در ۲۸ مرداد از زندان بیرون آوردند و نصیری، فرماندهی بخشی از عملیات را برعهده گرفت. او بعدها رئیس ساواک شد و ۱۳ سال در این سمت ماند. نصیری پس از پیروزی انقلاب اسلامی معدوم شد.



■ **شاپور ریپورتر** افسر مرموز اطلاعاتی انگلیس و یکی از بازیگران اصلی و ناشناخته کودتای ۲۸ مرداد. او پسر اردشیر ریپورتر بود، کسی که شهرت داشت رضاخان را برای انگلیسی‌ها پیدا کرده‌است. شاپور ریپورتر ظاهراً سِمَت سیاسی و دیپلماتیک نداشت، اما تقریباً در تمام اقداماتی که به نفع انگلیس بود، رد پای وی وجود داشت. ریپورتر اصالتاً از زرتشتیان هند بود.



نورمن شوار تسکف (۱۳۳۷-۱۲۷۴ش)

افسر اطلاعاتی سازمان سیا و از دست‌اندرکاران کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. او پس از جنگ جهانی دوم به ایران آمد و مأمور سازماندهی ژاندارمری شد تا از آن برای سرکوب معترضان استفاده شود. شوار تسکف بعدها در ایران ماند و در جریان کودتا، به محمدرضا پهلوی اطمینان داد می‌تواند بدون احساس خطر، حکم نخست‌وزیری را صادر کند. شوار تسکف یکی از هدایتگران اصلی جریان کودتا در تهران بود.



حاشیه

اقرار بزرگ

سوم شهریور ۱۳۷۹، مادلین آلبرایت، وزیرخارجه وقت آمریکا در یک سخنرانی به نقش کاخ سفید در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعتراف کرد. او این اقدام را نوعی بازگشت به گذشته و عقب‌گرد شرایط ایران به وضعیت دوره اختناق رضاخانی دانست و گفت: «دولت آیزنهاور(رئیس‌جمهور آمریکا در زمان کودتای ۲۸ مرداد) به دلایل راهبردی، اقدامات خود را موجه می‌دانست اما کودتا برای توسعه سیاسی در ایران به روشنی یک بازگشت به عقب و از دست دادن دستاوردها بود. اکنون به آسانی می‌توان دریافت چرا بسیاری از ایرانیان از این مداخله آمریکا در امور داخلی‌شان همچنان ناخشنودند.»

این ملت گذاشته‌اید. زاهدی را که من بازحمت در مجلس تحت‌نظر و قابل کنترل نگه داشته بودم، با لطایف‌الحیل خارج کردید و حالا همان‌طور که واضح بوده، درصدد به اصطلاح کودتاست. اگر نقشه شما نیست که مانند سِام تیر عقب‌نشینی کنید و به‌ظاهر قهرمان زمان بمانید و اگر حتم و نظر من صحیح نیست که همان‌طور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب، به شما گفتم و به هندرسن هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیاسپندی می‌خواهد به دست جناب‌عالی، این ثروت ما را به جنگ آورد و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی‌خواهید کنار بروید، این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصیات نسبت به خودم، از وقوع حتمی یک کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماس، آگاه کردم که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد. اگر به‌راستی در این فکر اشتباه می‌کنم، با اظهار تمایل شما، سیدمصطفی و ناصرخان قشقایب را برای مذاکره خدمت می‌فرستم، خدا به همه رحم بفرماید. ایام به کام باد. سیدابوالقاسم کاشانی/ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲.»

